

تحلیل موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی

(مطالعه موردی: شهرستان توپسرکان)

حشمت‌اله سعدی^۱ - احمد یعقوبی فرانی^۲ - لیلا زلیخانی سیار^۳ - فاطمه قهرمانی^۴

- ۱- دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
- ۲- استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
- ۳- دانشجوی دکتری توسعه روستایی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
- ۴- دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۷ صص ۴۸-۳۵ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۹/۱۴

چکیده

هدف: در این تحقیق، شناسایی و تحلیل موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی در شهرستان توپسرکان به عنوان هدف اصلی مد نظر قرار گرفته و با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی، به شناسایی و تحلیل مهم‌ترین موانع و محدودیت‌های ایجاد و توسعه اشتغال توسط زنان روستایی پرداخته شده است. **روش:** تحقیق حاضر، نوعی تحقیق توصیفی و کاربردی است که به شیوه مطالعات پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را زنان روستایی شاغل در شهرستان توپسرکان تشکیل دادند که به طور تصادفی، تعداد ۱۵۰ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه تحقیق انتخاب و دیدگاه‌های آن‌ها در مورد موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان در جامعه روستایی مورد بررسی قرار گرفت. پرسش‌نامه مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات تحقیق بود که روایی ظاهری و محتوایی آن توسط گروهی از متخصصان موضوع، مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و برای ارزیابی میزان پایایی پرسش‌نامه نیز ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که رقم ۰/۸۱ به دست آمد. همچنین، برای بررسی اعتبار سازه‌های پرسش‌نامه و برازش الگوی اندازه‌گیری سازه «موانع اشتغال زنان روستایی» داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار LISREL از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که شاخص‌های نیکویی برازش (RMSEA=0.063، AGFI=0.85 و GFI=0.93) تناسب کامل الگو با داده‌های مشاهده شده را تأیید کرد.

یافته‌ها: در این تحقیق به منظور دستیابی به تحلیل دقیق‌تری از موانع و مشکلات پیش روی اشتغال زنان روستایی، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد که بر این اساس، موانع و محدودیت‌های پیش رو در چهار عامل اصلی دسته‌بندی شد؛ عامل اول با توجه به ماهیت متغیرهای تشکیل دهنده آن «موانع اجتماعی-فرهنگی» نام گرفت که با تبیین ۲۲/۰۳ درصد از واریانس به عنوان مهم‌ترین عامل معرفی شد. این عامل هم‌راه با دیگر موانع نظیر «موانع اقتصادی-محیطی»، «موانع شخصیتی» و «موانع آموزشی-حمایتی» در مجموع، ۶۲/۳۰ درصد از واریانس موانع اشتغال زنان روستایی را تبیین کردند. **راه کارهای عملی:** در راستای تسهیل روند اشتغال زنان روستایی، اصلاح و رفع برخی موانع فرهنگی اجتماعی؛ شامل ذهنیت‌های سنتی و نادرست نسبت به توانمندی‌های زنان و ضرورت مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی جامعه توصیه می‌شود. بر مبنای نتایج تحقیق، تأمین فرصت‌های یادگیری متنوع برای زنان روستایی به منظور تغییر و اصلاح نگرش‌ها و کسب توانمندی‌های لازم برای ورود به عرصه فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی ضروری است.

اصالت و ارزش: با توجه به اهمیت موضوع اشتغال، به‌ویژه در جامعه روستایی، یافته‌های تحقیق حاضر می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی در تدوین برنامه‌های کلان و عملیاتی مناسب برای رفع موانع اشتغال زنان در مناطق روستایی باشد.

کلیدواژه‌ها: زنان روستایی، اشتغال، موانع اشتغال، شهرستان توپسرکان.

ارجاع: سعدی، ح.، یعقوبی فرانی، ا.، زلیخانی سیار، ل. و قهرمانی، ف. (۱۳۹۶). تحلیل موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان توپسرکان). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۶(۱)، ۴۸-۳۵.

<http://dx.doi.org/10.22067/jrrp.v5i4.47639>

۱. مقدمه

امروزه به اعتقاد اغلب نظریه‌پردازان توسعه، عامل انسانی نقش مؤثری در هدایت جریان توسعه دارد. بر همین اساس، توجه به این مقوله به عنوان یک هدف مهم در سیاست-گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی مطرح است (کلی و پرایس^۱، ۲۰۰۹، ص. ۸۱۱). در بحث عامل انسانی، توجه به نقش و جایگاه زنان که نیمی از جمعیت جوامع را تشکیل می‌دهند، از اهمیت اساسی برخوردار است، به گونه‌ای که یکی از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتبار زنان در آن کشور است (محمودیان و رشوند، ۱۳۹۱، ص. ۸۴). این گروه عظیم اجتماعی نقش فعالی در پیشرفت‌های اجتماعی و توسعه پایدار جوامع ایفا می‌کنند؛ به طوری که عدم بهره‌گیری از نیروی بالقوه آن‌ها در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دستیابی به توسعه را ناممکن می‌سازد.

بدون شک، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، رفاه اجتماعی بیشتری برای آن‌ها به دنبال خواهد داشت (رحمان^۲، ۲۰۰، ص. ۴۹۷). بسیاری از جامعه‌شناسان نیز بر نقش زنان در فرآیند توسعه تأکید داشته و معتقدند بدون مشارکت آن‌ها راه برای توسعه هموار نخواهد شد (تینکر^۳، ۱۹۹۰ و اسمیت^۴، ۲۰۰۴). بنابراین، رسیدن به هدف مهم توسعه؛ یعنی توسعه انسانی، هنگامی ممکن می‌شود که به عامل نیروی انسانی؛ اعم از مرد و زن به طور هم‌زمان توجه شود (پاسبان، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۹). در همین راستا، بسیاری از دولت‌ها با اتخاذ تدابیر و سیاست‌هایی ویژه نسبت به بهره‌مندی از مشارکت زنان توانسته‌اند با شتاب سریع‌تری در مسیر توسعه گام بردارند (صابر، ۱۳۸۵). این موضوع در اقتصاد بخش روستایی و کشاورزی نیز اهمیت داشته و توجه به مشارکت و اشتغال زنان روستایی و تلاش برای رفع موانع و بازدارنده‌های آن، به عنوان یکی از ضرورت‌ها و الزامات توسعه پایدار در این بخش محسوب می‌شود (مک‌الوی^۵، ۲۰۰۵). زنان روستایی نیرویی عمده برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیش‌برد اقتصاد روستایی هستند. برخلاف تصور متعارف در مورد نقش زنان روستایی که عمدتاً نقش خانه‌داری است، بررسی‌های عینی نشان می‌دهد که زنان در زندگی روستایی اگر نقشی مهم‌تر از مردان نداشته باشند، کم‌تر از آن‌ها ندارند. در واقع، آن‌ها در بخش کشاورزی، صنایع روستایی و خدمات

نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. در بخش کشاورزی، سهم قابل توجهی از نیروی کار به زنان اختصاص دارد، این در حالی است که ارزش واقعی نیروی کار آن‌ها به درستی شناخته نشده و غالباً از موقعیت و منزلت پایین‌تری برخوردارند (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۵، ص. ۵۷). زنان علاوه بر بخش کشاورزی، در بخش صنایع روستایی نیز سهم قابل توجهی دارند. فعالیت زنان در صنایعی؛ مانند قالی‌بافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، صنایع دامی، صنایع غذایی و غیره از کارگری شدن خانوارهای کشاورز جلوگیری کرده و از نظر اقتصادی کمک زیادی به معیشت خانواده می‌کند (همتی‌وینه، عابدی سروستانی، عبدالله‌زاده و محبوبی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۵). علی‌رغم نقش قابل توجهی که زنان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی دارند، اشتغال آن‌ها در وضعیت مناسبی قرار ندارد. طبق اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵ تنها ۱۷ درصد از شاغلان روستایی را زنان تشکیل می‌دهند که این وضعیت در مقایسه با میزان اشتغال متعارف زنان (۳۰ درصد) تأمل‌برانگیز است و به عبارتی، بیان‌گر عدم بهره‌گیری مناسب از این بخش از نیروی انسانی در جامعه روستایی کشور است (فلاح‌جلودار، حسینی و میردامادی، ۱۳۸۶، ص. ۹۱).

براساس مطالعات انجام‌شده، افزایش نرخ مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستا، هم به توسعه سرمایه اجتماعی این جوامع کمک می‌کند و هم در بعد اقتصادی باعث رونق اقتصادی خانواده می‌شود (یانگ و آن^۶، ۲۰۰۲). این امر ضرورت نوعی آسیب‌شناسی به منظور بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های زنان روستایی و غلبه بر موانع و محدودیت‌های پیش روی اشتغال آن‌ها را آشکار می‌سازد. بر همین اساس، تحقیق حاضر با درک حساسیت و اهمیت این امر در جوامع روستایی، شناسایی موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی را به عنوان موضوعی درخور تحقیق و بررسی، مد نظر قرار داده و درصدد آن است تا با بررسی دقیق و عمیق جوانب موضوع در مناطق روستایی شهرستان تویسرکان به درکی همه‌جانبه و ارائه تصویری شفاف از عوامل بازدارنده اشتغال زنان در جوامع روستایی دست یابد.

۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱. قلمرو جغرافیایی تحقیق

شهرستان تویسرکان یکی از شهرستان‌های استان همدان است که از شمال به شهرستان‌های همدان و اسدآباد و قسمت

مربوط به سازه «موانع اشتغال زنان روستایی»، داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار LISREL 8.8 از طریق تحلیل عاملی تأییدی تجزیه و تحلیل شد که شاخص‌های نیکویی برازش RMSEA=0.063، $\chi^2/df = 1.23$ و GFI=0.93 تناسب کامل الگو با داده‌های مشاهده شده را تأیید کرد.

۳. مبانی نظری تحقیق

دستیابی به توسعه زمانی محقق می‌شود که در برنامه‌های توسعه، اولویت اصلی به توسعه منابع انسانی داده شود. در این راستا، باید بخشی از سهم سرمایه‌گذاری دولت در توسعه منابع انسانی به زنان، که نیمی از جمعیت جوامع را تشکیل می‌دهند، اختصاص یابد. تا پیش از دهه ۱۹۷۰، زنان را کنش‌گران مهم در فعالیت اقتصادی نمی‌دانستند و معمولاً مشارکت آن‌ها در پروژه‌ها نادیده گرفته می‌شد؛ اما از دهه ۱۹۷۰، تغییراتی در نگرش نسبت به نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی پدید آمد (نامدار، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۶). اعلام سال ۱۹۷۵ به عنوان «سال جهانی زن» نمونه‌ای از این تغییرات بود که توجه جهانیان را به نقش انکارناپذیر زنان در توسعه جلب کرد و برای تلاش در رفع تبعیض از زنان، انگیزه‌های لازم را در سازمان‌های بین‌المللی و بسیاری از حکومت‌ها به وجود آورد (داورخانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۲) و به تدریج این امر پذیرفته شد که توسعه اقتصادی بدون مشارکت زنان میسر نیست و یکی از راه‌های گسترش درآمد ناخالص ملی جوامع، از طریق افزایش و گسترش فعالیت اقتصادی زنان در حوزه عمومی کار، هم‌پای مردان، شکل می‌گیرد (شربتیان، ۱۳۸۷، ص. ۹۳).

آمارهای موجود نشان می‌دهد که علی‌رغم آن‌که زنان ایرانی از نظر شاخص‌های بهداشتی و آموزشی در مجموع شرایطی به مراتب بهتر از کشورهای منطقه دارند؛ اما از نظر حضور در بازار کار و سهم درآمدی، در میان کشورهای در حال توسعه رتبه پایینی دارند. این موضوع ماحصل وجود برخی موانعی است که بر سر راه اشتغال زنان و فعالیت اقتصادی آن‌ها خارج از محیط خانواده محدودیت ایجاد کرده است (عزتی، ۱۳۸۷، ص. ۸۲). برخی از این موانع و مشکلات، موانع توسعه‌ای است که به ساختار کشورها مربوط می‌شود و بخشی دیگر، موانع غیر توسعه‌ای و غیرساختاری است.

کمی هم به شهرستان بهار، از مشرق به ملایر، از مغرب به کنگاور و از جنوب به شهرستان نهاوند محدود است. تویسرکان در جنوب کوه الوند و شهر همدان واقع شده است و مردم این شهرستان به زبان‌های فارسی و در روستاها لری، لکی و کردی صحبت می‌کنند. این شهرستان با ۱۰۳،۷۸۶ نفر جمعیت و ۱۵۵۶ کیلومتر مربع مساحت از سه شهر تویسرکان، سرکان و فرسفج و دو بخش مرکزی و قلقل رود تشکیل شده است.

۲.۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل موانع اشتغال زنان روستایی به صورت پیمایشی انجام گرفت. در این روش با انتخاب و مطالعه نمونه‌ای منتخب از جامعه، توزیع فراوانی و روابط بین متغیرها بررسی شد. در تحقیق پیمایشی عمومی‌ترین روش برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه است. پرسش‌نامه این تحقیق از دو بخش ویژگی‌های فردی و دیدگاه پاسخ‌گویان در خصوص محدودیت‌ها و موانع اشتغال زنان روستایی تشکیل شده بود. تعدادی از اعضای هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا، پایایی ابزار سنجش این تحقیق را پس از روایی‌سنجی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تأیید کردند و مقدار ضریب آلفا، ۰/۸۱ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی ابزار سنجش تحقیق است. جامعه آماری این مطالعه را زنان روستایی شاغل شهرستان تویسرکان تشکیل دادند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب و دیدگاه‌های آن‌ها در خصوص موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان در جامعه روستایی بررسی شد. برای تعیین حجم نمونه، پس از انجام یک پیش‌آزمون بر روی ۳۰ نفر از زنان روستایی و مشخص شدن پیش‌برآورد واریانس صفت مورد نظر در جامعه آماری، از فرمول کوکران استفاده شد و تعداد حجم نمونه ۱۵۰ نفر تعیین شد. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، سه روستا از شهرستان تویسرکان به نام‌های وردآورد علیا، وردآورد وسطی و وردآورد سفلی انتخاب شدند و از هر روستا دیدگاه ۵۰ نفر از زنان در خصوص موضوع تحقیق، بررسی شد. در بخش توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی فراوانی، درصد، انحراف معیار، واریانس و میانگین بهره گرفته شد و در بخش تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS 16 و LISREL 8.8 از تحلیل عاملی به منظور دستیابی به عوامل کلیدی استفاده شد. به منظور بررسی اعتبار سازه‌ای پرسش‌نامه و برازش الگوی اندازه‌گیری

از موانع توسعه‌ای می‌توان به موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و از موانع غیرتوسعه‌ای نیز به ویژگی‌های شخصیتی و فیزیولوژیکی زنان اشاره کرد (علیزاده، ۱۳۸۹، ص. ۵۲). همان‌طور که اشاره شد، یکی از مهم‌ترین موانع اشتغال زنان، موانع فیزیولوژیکی و شخصیتی است که موجب شده تا این برداشت نادرست در جامعه به وجود آید که زنان موجوداتی ضعیف‌اند و مردان باید بر آن‌ها تسلط یابند (میرک‌زاده، علی-آبادی و شمس، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۸). این روابط پدرسالارانه در ساختار نیمه‌سننتی جامعه روستایی ایران نیز وجود دارد که موجب قدرت و سلطه مردان بر زنان شده است. در چنین جامعه‌ای مردان صاحب منابع قدرت‌اند و غالب تصمیم‌گیری‌ها توسط آن‌ها اتخاذ می‌شود (امینی، ۱۳۸۶، ص. ۷۲). در مطالعه‌ای که توسط کریمی در سال ۱۳۸۳ انجام پذیرفته، همین نگرش نادرست نسبت به زنان شاغل در تعاونی‌های استان مازندران و تبعیض علیه آن‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع اشتغال و کارآفرینی زنان عنوان شده است (کریمی، ۱۳۸۳). یکی دیگر از مهم‌ترین موانع اشتغال زنان در جامعه، موانع فرهنگی است. مطالعات و بررسی‌های صورت‌گرفته نشان داده که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی رایج در یک جامعه، تأثیر مستقیمی بر میزان اشتغال زنان دارد (مالهوترا و دگراف، ۱۹۹۷؛ بارکر و آلن^۸، ۱۹۷۶). در ایران نیز برخی هنجارهای فرهنگی مانع از اشتغال زنان و حضور فعال آن‌ها در عرصه‌های اقتصادی اجتماعی جامعه است. این موضوع به‌ویژه در جوامع روستایی از شدت بیش‌تری برخوردار است. از مهم‌ترین موانع فرهنگی بر سر راه اشتغال زنان می‌توان به باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم لزوم مشارکت زنان، ناآگاهی زنان نسبت به حقوق شهروندی خود، عدم آگاهی زنان از زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت، بالاتر بودن نرخ بی‌سوادی زنان نسبت به مردان و پایین بودن درصد متخصصان و دارندگان مدارج علمی در بانوان نسبت به مردان اشاره کرد (علیزاده، ۱۳۸۹، ص. ۵۲). در مطالعه میرک‌زاده، علی‌آبادی و شمس (۱۳۸۹) مهم‌ترین موانع مشارکت و اشتغال زنان روستایی بر بعد فرهنگی تمرکز داشته و آداب و رسوم و اعتقادات سنتی حاکم بر منطقه روستایی، به عنوان مهم‌ترین موانع در این مطالعه شناسایی شده‌اند. صفری شالی (۱۳۸۷) یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت اقتصادی زنان را باورهای فرهنگی مرتبط با جنسیت

در جامعه می‌داند. فرهنگی و اسفیدانی (۲۰۰۴) نیز در مطالعه خود، باورهای فرهنگی موجود در جامعه را به عنوان عمده‌ترین مانع ارتقای شغلی زنان مشاغل دولتی بیان کرده‌اند. به اعتقاد منجا^۹ (۲۰۰۲) نقش‌های اجتماعی و اقتصادی زنان در یک جامعه توسط ارزش‌ها، هنجارها و آداب و رسوم آن جامعه بنا می‌شود. وجود چنین موانع فرهنگی و اجتماعی سبب شده است تا به طور کلی، زنان در عرصه اشتغال به سمت مشاغلی با منزلت اجتماعی پایین‌تر سوق یافته‌اند؛ به عنوان نمونه، تعداد زنان در مشاغل خدماتی، فروش و منشی‌گری بیش‌تر از مشاغل فنی و تخصصی است و با وجود این‌که تحصیلات آن‌ها در زمینه‌های تخصصی افزایش یافته، اما حضور آن‌ها در این عرصه‌ها نسبت به مردان بسیار کم‌تر است (احسانی‌مقدم، ۱۳۸۹، ص. ۴۷). این وضعیت بیان‌گر موانع اجتماعی پیش روی اشتغال زنان است. همتی‌وینه، عابدی سروسستانی، عبدالله-زاده و محبوبی (۱۳۹۱) در بررسی چالش‌های اشتغال زنان روستایی در شهرستان کرمانشاه، در بین موانع فرهنگی و اجتماعی، عدم اعتماد جامعه به توانایی زنان در راه‌اندازی کسب‌وکار و عدم پذیرش آن‌ها در مشاغل فنی و تخصصی را به عنوان یکی از مهم‌ترین این موانع بیان می‌کنند. هم‌چنین، در پژوهشی که در سال ۱۳۸۵ توسط بابایی زکلیکی انجام شد، مهم‌ترین موانع ارتقای زنان در پست‌های مدیریتی سازمان‌های دولتی، عدم پذیرش مدیریت زنان به وسیله زبردستان بیان شده است. از دیگر موانع تأثیرگذار بر میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اشتغال‌زایی، موانع اقتصادی است. در این راستا، می‌توان به اختلاف سطح دست‌مزدها بین مردان و زنان اشاره کرد. تبعیض بسیار در پرداخت دست‌مزدها بین زنان و مردان یکی از مهم‌ترین موانعی است که اثر منفی بر نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی دارد (الیاسون و وستلاند^{۱۰}، ۲۰۱۳، ص. ۴۷۹). از دیگر موانع اقتصادی پیش روی اشتغال زنان، نوع مشاغلی است که این گروه در آن‌ها فعالیت دارند. حضور زنان در برخی مشاغلی که به طور معمول دارای سطح دست‌مزدهای پایین‌تری هستند. حضور زنان در این‌گونه مشاغل، آن‌ها را عملاً از صحنه فعالیت اقتصادی فعال و اثرگذار دور نگه می‌دارد (علیزاده، ۱۳۸۹، ص. ۵۵)؛ علاوه بر این، در کشورهای جهان سوم، دسترسی محدود زنان روستایی به اعتبارات و تسهیلات مالی چه برای نیازهای کوتاه‌مدت و چه برای سرمایه‌گذاری بلندمدت در کسب‌وکار از مهم‌ترین

مهم‌ترین موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان در مناطق روستایی پرداخته شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

۱. ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان

با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده، میانگین سن افراد مورد مطالعه ۳۵ سال با انحراف معیار ۱۲/۱۷ است. اکثریت افراد مورد مطالعه (۳۵ درصد) دارای تحصیلات سیکل هستند. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب زمینه اشتغال نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی (در حدود ۴۴ درصد) از زنان روستایی در صنایعی؛ مانند قالی‌بافی، جاجیم‌بافی و سایر صنایع روستایی مشغول به فعالیت هستند. هم‌چنین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت زنان روستایی مورد مطالعه (۹۱/۷ درصد) اظهار کرده‌اند که علاقه‌مند به اشتغال هستند و تنها در حدود ۸/۳ درصد علاقه‌ای به فعالیت اقتصادی و اشتغال نداشته‌اند (جدول ۱).

موانع اقتصادی فعالیت آن‌ها در عرصه‌های مختلف محسوب می‌شود. حتی زمانی هم که امکان دسترسی به منابع مالی پیدا می‌کنند، عدم توانایی آن‌ها در تأمین تضمین‌های لازم مانع از دریافت تسهیلات شده و از سویی، نرخ بالای بهره تسهیلات نیز ممکن است به بدهکارشدن و در نتیجه، خطر متزلزل شدن بنیان خانوادگی آن‌ها منجر شود (شاوردی و چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۶). زاویر، احمد، موه‌دنور و یوسف^{۱۱} (۲۰۱۲)؛ داویس^{۱۲} (۲۰۱۱) و رومی و پاروت^{۱۳} (۲۰۰۸) در مطالعات خود در خصوص چالش‌های پیش روی اشتغال زنان کارآفرین، عوامل اقتصادی را جزء مهم‌ترین محدودیت‌های اشتغال آن‌ها بیان کرده‌اند. بر مبنای آنچه ذکر شد، مجموعه‌ای از عوامل و محدودیت‌ها در فرآیند اشتغال زنان محدودیت ایجاد می‌کنند که برای رفع آن‌ها، شناسایی ابعاد دقیق و نوع تأثیرگذاری آن‌ها در مراحل ایجاد و توسعه مشاغل توسط زنان اهمیت دارد. بر همین اساس، در تحقیق حاضر با نوعی جامع‌نگری نسبی به بررسی و تحلیل

جدول ۱- توزیع فراوانی برخی ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

متغیر	فراوانی	درصد	ملاحظات
سن	۲۵-۱۵ سال	۳۷	۲۵
	۴۰-۲۶ سال	۷۳	۴۸/۳
	۶۰-۴۱ سال	۳۲	۲۱/۷
	۷۰-۶۱ سال	۸	۵
میزان تحصیلات	بی‌سواد	۴۰	۲۶/۷
	تحصیلات ابتدایی	۴۲	۲۸/۳
	سیکل	۵۳	۳۵
	دیپلم	۱۵	۱۰
زمینه اشتغال	صنایع دستی	۶۶	۴۳/۹
	خیاطی	۲۱	۱۱/۷
	مغازه‌داری	۱۵	۸/۳
	کشاورزی	۱۵	۸/۳
	دامداری	۱۲	۶/۷
	سایر موارد	۲۱	۱۱/۷

مناسب بوده ($KMO=0/813$) و آماره بارتلت نیز در سطح یک درصد معنی‌دار است. در این بررسی، چهار عامل عمده استخراج شد که نتایج آن در جدول (۲) به همراه مقدار ویژه و درصد واریانس مربوطه ارائه شده است.

۲. تحلیل موانع اشتغال زنان روستایی

به منظور تحلیل موانع اشتغال زنان روستایی و تعیین سهم هر یک از این موانع و محدودیت‌ها از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده است. محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از این تکنیک

جدول ۲- عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
عامل اول	۶/۶۱	۲۲/۰۳	۲۲/۰۳
عامل دوم	۵/۴۹	۱۸/۲۰	۴۰/۲۳
عامل سوم	۳/۲۴	۱۱/۸۱	۵۲/۰۴
عامل چهارم	۳/۰۷	۱۰/۲۶	۶۲/۳۰

جدول (۲) نشان می‌دهد که عامل اول (با مقدار ویژه ۶/۶۱) بیش‌ترین سهم و عامل چهارم کم‌ترین سهم را در تبیین کل متغیرها داشته و در مجموع، چهار عامل مذکور (۳) نتایج آن آورده شده است. درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کنند. برای چرخش عاملی از روش وریماکس استفاده شد که در جدول

جدول ۳- متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و میزان بارهای عاملی به‌دست آمده از ماتریس چرخش یافته

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

ردیف	موانع	متغیرها	نشان‌گر	بار عاملی
عامل اول	موانع اجتماعی- فرهنگی	مخالفت خانواده با کسب‌وکار زنان	SOC1	۰/۴۵۴
		کمبود حمایت خانوادگی	SOC2	۰/۵۵۳
		عدم اعتماد به توانایی‌های زنان در فعالیت‌های اقتصادی	SOC3	۰/۴۳۱
		کمبود تجربه کاری	SOC4	۰/۷۳۷
		کمبود راهنمایی و مشاوره	SOC5	۰/۶۶۴
عامل دوم	موانع اقتصادی- محیطی	عدم دسترسی به بازار کار و بازار فروش محصولات	SOC6	۰/۵۵۱
		بی‌تجربگی در برنامه‌ریزی‌های مالی و هدایت سرمایه	ECO1	۰/۵۰۸
		دشواری در کسب سرمایه اولیه	ECO2	۰/۴۵۴
		ناکافی بودن صندوق‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری روستایی	ECO3	۰/۴۴۶
		دستمزد پایین زنان	ECO4	۰/۵۵۹
		فاصله روستا تا بازار فروش محصولات و شهرها	ECO5	۰/۵۷۲
		مشکلات رفت‌وآمد در فصول مختلف	ECO6	۰/۴۷۰
		کمبود وسایل حمل‌ونقل عمومی	ECO7	۰/۶۶۰
عامل سوم	موانع شخصیتی	پراکندگی روستاها و تنوع جغرافیایی	ECO8	۰/۴۹۹
		نداشتن اعتماد به نفس	PER1	۰/۸۳۱
		ریسک‌پذیری کم و ترس از شکست	PER2	۰/۵۵۶
		روابط عمومی کم و مشکل برقراری ارتباط با دیگران	PER3	۰/۵۶۹
عامل چهارم	موانع آموزشی- حمایتی	الزام اجازه همسر یا پدر و همراهی آن‌ها	PER4	۰/۵۱۳
		عدم حمایت نهادها و تشکل‌های مردمی از زنان روستایی	EDU1	۰/۴۰۷
		عدم امکان ادامه تحصیل برای زنان روستایی	EDU2	۰/۳۵۰
		عدم آشنایی با قوانین و مقررات مربوط به اشتغال	EDU3	۰/۳۱۸

متغیرهای تحت بررسی را تبیین می‌کند. بنابراین، با توجه به نتایج این مطالعه، زنان روستایی در زمینه اشتغال بیش از هر چیز با موانع و چالش‌های اجتماعی- فرهنگی مواجه‌اند. در ارتباط با موانع اجتماعی- فرهنگی، آداب و سنن هر کشور و

عامل اول (موانع اجتماعی- فرهنگی)، با مقدار ویژه ۶/۶۱ بیش‌ترین تأثیر و اهمیت را در تبیین متغیرها دارد. درصد واریانس مقدار ویژه این عامل ۲۲/۰۳ درصد است و نشان می‌دهد این عامل در مجموع ۲۲/۰۳ درصد از واریانس کل

هم‌چنین، برخی باورهای کلیشه‌ای نادرست دربارهٔ زنان؛ مانند عدم اعتماد به توانایی‌های آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی از جمله مهم‌ترین محدودکننده‌های فعالیت آن‌ها در عرصهٔ اشتغال است. در همین راستا، راجرز نیز عمده‌ترین دلایل عدم مشارکت روستاییان در فعالیت‌های اقتصادی را به خرده‌فرهنگ دهقانی نسبت می‌دهد و معتقد است که وجود چنین عناصری امکان تحقق مشارکت را پایین می‌آورد. بنابراین، اگر فرهنگ جامعه با زنان به شیوه‌ای نابرابر رفتار نماید؛ یعنی در مقایسه با مردان آن‌ها را با ویژگی‌های ضعیف و منفی توصیف کند و یا اگر امکان دستیابی به فرصت و منابع ارزشمند اجتماعی را به دلیل زن بودن برای آن‌ها محدود سازد، در این صورت، به تدریج این مؤلفه‌ها جزئی از خودپندارهٔ هویت زنان شده و همین امر مانعی بر سر راه مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی در عرصهٔ جامعه ایجاد می‌کند. در پژوهش‌های انجام‌شده از سوی فرهنگی و اسفیدانی (۲۰۰۴)؛ منجا (۲۰۰۲)؛ مالهوترا و دگراف (۱۹۹۷)؛ همتی‌وینه، عابدی سروستانی، عبدالله‌زاده و محبوبی (۱۳۹۱)؛ میرک‌زاده، علی‌آبادی و شمس (۱۳۸۹)؛ صفری شالی (۱۳۸۷) و بابایی زکلیکی (۱۳۸۵) نیز بر تأثیر شرایط اجتماعی-فرهنگی در میزان اشتغال زنان روستایی تأکید شده است.

عامل سوم (موانع شخصی)، در مجموع، ۱۱/۸۱ درصد از تغییرات واریانس کل موانع را تبیین می‌کند و یکی دیگر از مهم‌ترین موانعی است که پیش روی اشتغال زنان روستایی قرار دارد. بدون شک تقویت ویژگی‌های شخصی افراد به منظور مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی امری ضروری است. برخی از این خصلت‌ها عبارت‌اند از: تقویت روحیهٔ اعتماد به نفس، ریسک‌پذیری، روابط عمومی بالا و توانایی برقراری ارتباط با دیگران و غیره که در مطالعات متعددی نیز بر اهمیت تقویت این ویژگی‌ها تأکید شده است. قنبری، حجاریان، انصاری و کیانی (۱۳۹۱)؛ میرک‌زاده، علی‌آبادی و شمس (۱۳۸۹)؛ امینی و احمدی (۱۳۸۶) و کریمی (۱۳۸۳) نیز در مطالعات خود به چنین مطلبی اشاره کرده‌اند.

عامل دوم (موانع اقتصادی-محیطی)، ۱۸/۲۰ درصد از تغییرات واریانس کل موانع را تبیین می‌کند و بعد از موانع اجتماعی-فرهنگی در ردهٔ دوم اهمیت قرار گرفته است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد، موانع اقتصادی-محیطی دومین عامل پیش روی اشتغال زنان روستایی محسوب می‌شود و به دلیل برخی محدودیت‌ها در شرایط اقتصادی و محیطی جامعه روستایی از اهمیت زیادی برخوردار است. در میان موانع اقتصادی، شاید به‌جرات بتوان گفت دشواری کسب سرمایهٔ اولیه و دسترسی محدود به منابع و اعتبارات مالی مهم‌ترین چالش فعالیت زنان در عرصهٔ تولید و اشتغال محسوب می‌شود. از آنجایی که اکثر زنان روستایی قدرت تأمین تضمین‌های لازم برای دریافت وام را ندارند، شانس چندانی برای استفاده از اعتبارات و تسهیلات بانکی نیز ندارند. در بسیاری از موارد، زنان کشاورز برای دسترسی به اعتبارات، متکی به همسران، آشنایان یا وام‌دهندگان هستند که اغلب از آن‌ها بهره‌بر بالایی را طلب می‌کنند. الیاسون و وستلاند (۲۰۱۳)؛ داویس (۲۰۱۱)؛ زاویر، احمد، موهدنور و یوسف

عامل چهارم (موانع آموزشی-حمایتی) نیز با مقدار ویژهٔ ۳/۰۷، براساس یافته‌های تحقیق، ۱۰/۲۶ درصد از واریانس کل موانع مورد بررسی را به خود اختصاص داده است. در این راستا می‌توان به عدم حمایت نهادها و تشکلهای مردمی از زنان روستایی اشاره کرد؛ به عنوان نمونه، خدمات ترویج و آموزش کشاورزی در مناطق روستایی بیش‌تر در خدمت مردان بوده و همواره این واقعیت نادیده گرفته می‌شود که زنان در مناطق روستایی بخش عظیمی از مواد غذایی را تولید می‌کنند. با این حال، آن‌ها از امکانات ترویجی محدودی بهره‌مند بوده و فرصت‌های بسیار محدودی در اختیار دارند تا روش‌های کار خود را در زمینهٔ فعالیت‌های کشاورزی بهبود بخشند. زیگلر (۱۹۸۰)؛ علی‌دوست و لشگرآرا (۱۳۹۲)؛ موسوی، عمانی و اللهیاری (۱۳۸۹) و شربتیان (۱۳۸۷) نیز در مطالعهٔ خود بر اهمیت موانع آموزشی در اشتغال زنان روستایی تأکید کرده‌اند.

در ادامه به منظور بررسی اعتبار سازه‌ای پرسش‌نامه و برازش الگوی اندازه‌گیری مربوط به سازه «موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان تویسرکان»، داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم افزار LISREL8.8 از طریق تحلیل عاملی تأییدی، تجزیه و تحلیل شد. این روش در پی آن است که

تعیین کند که آیا تعداد عامل‌های اندازه‌گیری شده با آن چه براساس تئوری و مدل نظری انتظار می‌رفت، انطباق دارد؛ به عبارت دیگر، به آزمون میزان انطباق و هم‌نوایی بین سازه نظری و سازه تجربی تحقیق می‌پردازد (محسنین و اسفیدانی، ۱۳۹۲). براساس نتایج مندرج در جدول (۴)، شاخص‌های برازندگی به‌دست‌آمده نشان‌دهنده برازش مناسب مدل مورد

مطالعه با داده‌های مشاهده‌شده است. از آنجایی که در این مطالعه موانع اشتغال زنان روستایی خود از ابعاد گوناگونی؛ مانند عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و شخصیتی تشکیل شده و هر یک از این ابعاد نیز به نوبه خود توسط گویه‌هایی (متغیرهای مشاهده‌پذیر) مورد سنجش قرار گرفته‌اند، از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شده است.

جدول ۴- مقادیر شاخص‌های برازش مدل

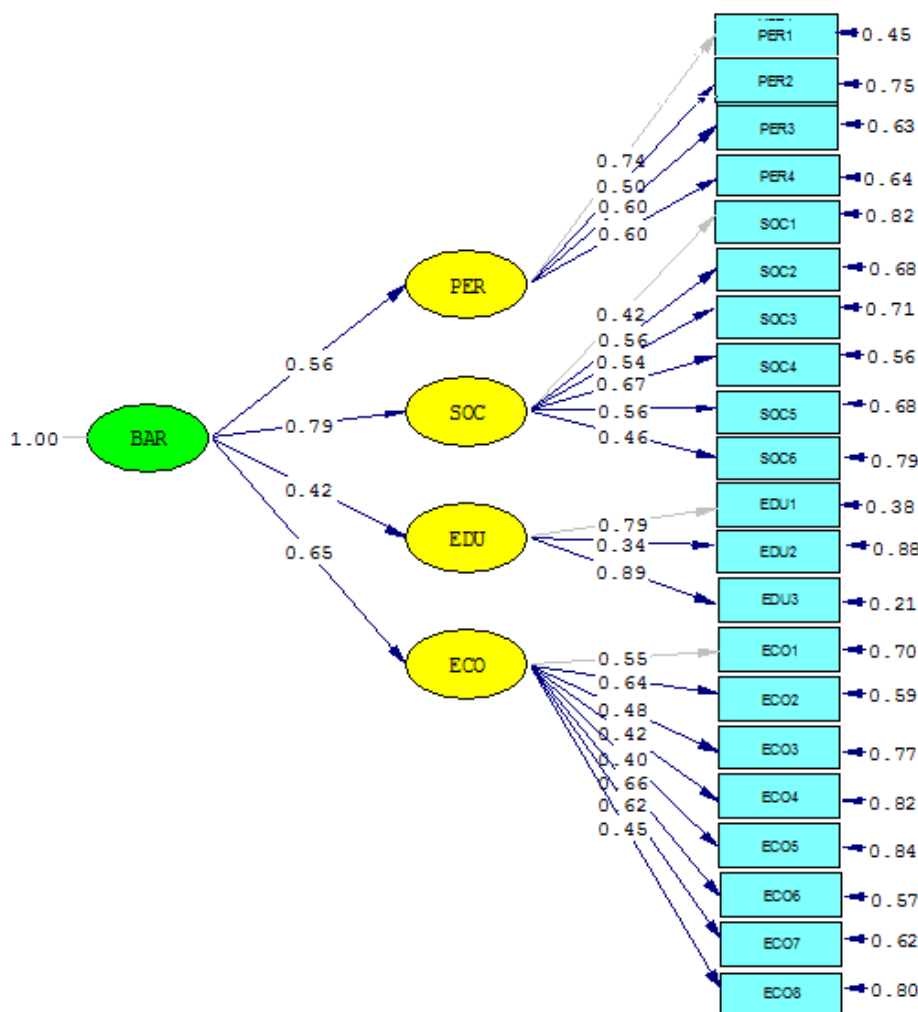
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

شاخص تناسب	حد مطلوب	نتیجه در پژوهش	وضعیت
χ^2/df	$3 <$ کوچک‌تر از ۳	۱/۲۳	مطلوب
p-value	$0.05 <$ کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۵	۰/۰۱۶۶۱	مطلوب
RMSEA	$0.08 \leq$ کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۸	۰/۰۶۳	مطلوب
GFI	$0.9 >$ بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۹۳	مطلوب
AGFI	$0.9 >$ بزرگ‌تر از ۰/۹	۰/۸۵	نسبتاً مطلوب
۱۸۵ = DF ۲۲۸/۲۸ = Chi-Square			

براساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول (۴) یکی از شاخص‌های برازش مدل، شاخص میانگین ریشه مجذورات (RMSEA) است. معیار پیشنهادشده برای این شاخص کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۸ است. در مدل حاضر، این شاخص برابر با ۰/۰۶۳ است که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل مورد مطالعه با داده‌های مشاهده‌شده است. شاخص دیگر، شاخص نیکویی برازش (GFI) است. این شاخص هرچه به عدد یک نزدیک‌تر باشد، بیان‌گر برازش بهتر مدل است که در این‌جا مقدار آن ۰/۹۳ است مقدار شاخص برازندگی تعدیل‌یافته (AGFI) نیز برابر با ۰/۸۵ است که در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد. هم‌چنین، نسبت χ^2/df خلی دو با درجه آزادی (۱/۲۹) نیز کم‌تر از ۳ است که نشان‌دهنده تناسب مدل مفهومی پژوهش با داده‌های مشاهده‌شده است. بنابراین، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که برازش کلی مدل

اندازه‌گیری در وضعیت مطلوب قرار داشته و با داده‌های مورد استفاده سازگاری دارد؛ به عبارت دیگر، کیفیت برازش کلی مدل اندازه‌گیری، مطلوب ارزیابی می‌شود.

همان‌طور که مدل برازش‌شده در شکل (۱) نشان می‌دهد بارهای عاملی استانداردشده گویه‌ها نشان می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری از اعتبار سازه‌ای مناسبی برخوردار است. هم‌چنین، نتایج حاصل از ضرایب معناداری نشان داد که مقادیر به‌دست‌آمده برای تمامی متغیرهای مورد مطالعه بزرگ‌تر از ۲ بوده و در نتیجه، روابط این متغیرها با عامل‌های مربوطه معنادار بوده است. بر این اساس، می‌توان گفت عامل‌های اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، شخصیتی و آموزشی-حمایتی بخش قابل توجهی از سازه «موانع اشتغال زنان روستایی» را تبیین می‌کنند و اولویت‌های اول تا چهارم را در تبیین این سازه به خود اختصاص داده‌اند.



Chi-Square=228.28, df=185, P-value=0.01661, RMSEA=0.063

شکل ۱- بارهای عاملی استاندارد شده به همراه سطح معناداری مدل

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بر مبنای بررسی‌های انجام‌شده و یافته‌های این تحقیق، علی‌رغم نقش قابل توجهی که زنان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی دارند، اشتغال آن‌ها در وضعیت مناسبی قرار نداشته و موانع متعددی فرآیند توسعه کمی و کیفی اشتغال آن‌ها را با مشکل مواجه کرده است. این امر ضرورت نوعی آسیب‌شناسی به منظور بهره‌گیری بهینه از ظرفیت زنان روستایی و غلبه بر موانع و محدودیت‌های پیش روی اشتغال آن‌ها را آشکار می‌سازد. نتایج بررسی‌ها در این خصوص نشان می‌دهد که زنان روستایی در زمینه اشتغال با مشکلات و موانع متعدد و متنوعی مواجه‌اند که براساس نتایج تحلیل عاملی انجام‌شده در این تحقیق، این مشکلات در قالب

چهار دسته شامل عوامل اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-محیطی، شخصیتی و آموزشی-حمایتی قابل دسته‌بندی هستند. بر مبنای نتایج تحقیق، عوامل چهارگانه مذکور در حدود ۶۲/۳۰ درصد از کل واریانس موانع و محدودیت‌های پیش روی فرآیند توسعه اشتغال زنان روستایی را تبیین می‌کنند. با توجه به یافته‌های تحلیل عاملی تأییدی نیز می‌توان بیان کرد که چهار عامل اشاره‌شده تا حدود زیادی ابعاد مستقل سازه «موانع اشتغال زنان روستایی» را اندازه‌گیری می‌کنند. در این میان، موانع اجتماعی-فرهنگی با تبیین ۲۲/۰۳ درصد از کل واریانس، بیش‌ترین میزان واریانس را به خود اختصاص داده و سهم قابل توجهی از موانع اشتغال زنان روستایی را تبیین می‌کند. موانع اقتصادی-محیطی،

بهره‌مندی از اعتبارات و منابع مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دارند. به نظر می‌رسد تشکیل تعاونی‌های زنان روستایی یکی از راه‌حل‌های مناسب و کم‌هزینه به منظور دسترسی بهتر زنان روستایی به اعتبارات مورد نیاز برای راه-اندازی و توسعه مشاغل است که می‌تواند نقش به‌سزایی در توان‌مندسازی زنان روستایی و فراهم کردن منابع مالی کسب‌وکارهای آن‌ها داشته باشد.

با توجه به یافته‌های این مطالعه، اکثریت زنان روستایی کم‌سواد یا دارای تحصیلات ابتدایی هستند؛ علاوه بر این، نتایج تحلیل عاملی بیان‌گر آن است که موانع آموزشی-حمایتی یک از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی اشتغال آن‌ها محسوب می‌شود. از این رو، مسأله آموزش زنان روستایی باید بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و هم‌چنین، انگیزه لازم در آن‌ها برای بهره‌مندی از آموزش‌های مستمر و مداوم در حوزه عمومی اشتغال ایجاد شود. بدون شک بهره‌مندی زنان از آموزش مناسب، امکان دستیابی آن‌ها به مشاغل تخصصی را فراهم می‌کند. هم‌چنین، دریافت آگاهی‌های شغلی موجب تقویت حس اعتماد به نفس و ارتقای مهارت‌ها و قابلیت‌های آن‌ها در انجام وظایف مربوطه خواهد شد.

یادداشت‌ها

- 1-Kelly and Price
- 2- Rahman
- 3- Thinker
- 4- Smit
- 5- Mc Elwee
- 6- Yang and An
- 7- Malhotra and Degraff
- 8- Barker and Allen
- 9- Maneja
- 10- Eliasson and Westlund
- 11- Xavier
- 12- Davis
- 13- Roomi & Parrott
- 14- Ziegler

شخصیتی و آموزشی-حمایتی به ترتیب، در رده‌های بعدی اهمیت قرار گرفته‌اند.

همان‌طور که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، زنان روستایی در زمینه اشتغال بیش از هر چیز با موانع و چالش‌های اجتماعی-فرهنگی مواجه‌اند. بنابراین، اولین قدم، تغییر و دگرگونی در ایستارهای ذهنی افراد جامعه و حذف قالب‌های سنتی نقش زنان است. بدون تردید، ارائه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی می‌تواند سهم عمده‌ای در تغییر و اصلاح چنین قالب‌های ذهنی داشته و به ارائه تصویری مطلوب‌تر از اشتغال زنان و لزوم مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و زندگی اجتماعی منجر شود. به این ترتیب، بسترسازی فرهنگی و اجتماعی مناسب برای تغییر نگرش خانواده و جامعه نسبت به ورود زنان به عرصه عمومی کار و تعدیل نگرش‌های منفی نسبت به حضور آن‌ها در جامعه از طرق مختلف از اهمیت اساسی برخوردار است. بدیهی است رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی در سطوح مختلف محلی و ملی در ایجاد و تغییر باورهای نادرست فرهنگی و ایجاد شرایط مناسب برای پذیرش حضور زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی نقش مهمی دارند. این رسانه‌ها می‌توانند به دور از هرگونه تبعیض، جایگاه زنان روستایی را در جامعه اعتلا بخشیده و استعدادهای آن‌ها را برجسته کنند.

دومین محدودیت پیش‌روی اشتغال زنان روستایی در این مطالعه موانع اقتصادی-محیطی بود که بخش قابل توجهی از واریانس موانع را تبیین می‌کند. از جمله این موانع می‌توان به اختلاف سطح دست‌مزدها بین زنان و مردان، دشواری در کسب سرمایه اولیه و به طور کلی، عدم حمایت مالی و اقتصادی از زنان اشاره کرد. برای رفع این موانع مسئولان و برنامه‌ریزان باید با ایجاد عدالت و برابری بین زنان و مردان و نظارت بر نحوه درآمد و میزان دست‌مزد زنان و نیز اصلاح قوانین مربوطه اقدام کنند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، زنان توانایی کم‌تری در تأمین تضمین‌های لازم برای

کتاب‌نامه

1. Alidoust, S., & Lashgarara, F. (1392/2013). Barriers to rural women entrepreneurship development (Case study: Garmsar County). *Journal of Agricultural Extension and Education Research*, 6(1), 7-16. [In Persian]
2. Alizadeh, M. (1389/2010). The role of women employment in development. *Journal of Women and Culture*, 2(5), 49-59. [In Persian]
3. Amini, A. M., & Ahmadi Shapourabadi, M. A. (1386/2007). Rural women's employment in two townships of Esfahan province. *Journal of Women's Studies*, 5(1), 65-91. [In Persian]

4. Babai Zakliki, M. (1385/2006). Challenges of women for promotion to managerial positions in public organizations. *Journal of Humanities Instructor*, 46, 82-45. [In Persian]
5. Barker, L. & Allen, S. H. (1976). *The Interdependence of work and Marriage, in Dependence and Exploitation in Work and Marriage*. Newyork: Longmans.
6. Dadvarkhany, P. (1385/2006). Rural development and women's employment challenges. *Journal of Physical Geography Research*, 38(55), 171-188. [In Persian]
7. Davis, A. (2011). Rural and urban women entrepreneurs: A comparison of service needs and delivery methods priorities. *Journal of Business Science and Applied Management*, 6(2), 1-16.
8. Eftekhari, A. R., Taherkhani, M., & Sojasi Ghidari, H. (1388/2009). Dimensions and factors affecting the development of agricultural entrepreneurship in rural Iran: A case study of Khodabandeh County. *Journal of Village and Development*, 12(3), 41-72. [In Persian]
9. Ehsani Moghadam, N. (1389/2010). A review of women's employment. *Magazine of Work and Community*, 125- 124, 44-53. [In Persian]
10. Eliasson, K. & Westlund, H. (2013) attributes influencing self-employment propensity in urban and rural Sweden. *The Annals of Regional Science*, 50 (2), 479-514.
11. Ezzati, S. (1387/2008). Social and cultural barriers to women's employment: Ilam women and employment. *Journal of Ilam Culture*, 20 & 21, 73-83. [In Persian]
12. Farhangi, A., and M. Esfidani. (2004). Iranian women in management careers. *Women's Research*, 1(1), 109-117.
13. Farzi, Z., & Ranjbar, M. (1385/2006). *Women in Iran's laws and regulations*. Tehran: Ranjbar and Farzi Publications [In Persian]
14. Ghanbari, Y., Hajarriyan, A., Ansari, R., & Kiyani, F. (1391/2012). Encouraging and discouraging factors for rural women participation in agricultural activities, case study: Fereidoonshahr County. *Journal of Research and Rural Planning*, 2, 71-87. [In Persian]
15. Hemmati Winneh, H., Abedi Sarveatani, A., Abdullah Zadeh, Q. H., & Mahbobi, M. R. (1391/2012). Domestic employment and business barriers for women: A study of rural women in Kermanshah city. *National Conference on entrepreneurship and business management knowledge*. Toroudshomal Research-Industrial Company, Babolsar, Iran. [In Persian]
16. Jelodar Fallah, R., Farajollah Hosseini, S. J., Hosseini, S. M., & Mirdamadi, S. M. (1386/2007). Factors contributing to the success of rural women's entrepreneurship in north of Iran. *Journal of Village and Development*, 10(4), 87-115. [In Persian]
17. Karimi, Z. (2004). The role of government support in promoting entrepreneurship among women: A case study of Mazandaran women cooperatives. *Seminar on women entrepreneurs, the challenges ahead*, the Center for Women's Entrepreneurship, Tehran, Iran. [In Persian]
18. Kelly, S. & Price, H. (2009). Vocational education: A clean slate for disengaged students. *Social Science Research*, 38, 810-825.
19. Lahsary Zadeh, A. (1375/1996). The role of women in the rural economy. *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 11(1& 2), 43-65. [In Persian]
20. Mahmoudiyan, H., & Rashvand, M. (1391/2012). Demographic and social factors affecting women's employment of higher education graduates (Case study: Tehran city). *Journal of Women in Development & Politics*, 10(1), 83-104. [In Persian]
21. Malhotra, A., & Degraff, D. (1997). Entry Versus Success in the Labor Force: Young Women's Employment in Sri Lanka. *World Development*, 25(3), 379-394.
22. Maneja, C. A. P. (2002). *Women, Weaving, and the Web: An Analysis of Rural Indian Women's Agency in Attaining Economic Empowerment*. Unpublished doctoral dissertation, Georgetown University, Washington, D.C.
23. McElwee, G. (2005). Developing entrepreneurial skills of farmers. *A Literature Review of Entrepreneurship in Agriculture*, University of Lincoln. Available on the ESoF-website: http://www.esofarmers.org/documents/ESoFliteraturereview_000.pdf.
24. Mirakzadeh, A., Aliabadi, V., & Shams, A. (1389/2010). Analyzed barriers to rural women's participation in education and extension programs. *Journal of Village and Development*, 13(2), 147-165. [In Persian]

25. Mohsenin, S. H., & Asfydany, M. R. (1392/2013). *Structural Equation Modeling with LISREL (Training and application)*. Tehran: KetabeMehraban press. [In Persian]
26. Mousavi, S., Amani, A. R., & Allahyari, M. S. (1389/2010). Examining the barriers to rural women's participation in agricultural production activities. *Journal of Women and Culture*, 2(5), 61-69. [In Persian]
27. Namdar, M. (1389/2010). Factors affecting women's employment, along with the arrival of new technologies to Rural Economy: A case study of Fars Province combine owners. *Journal of Village and Development*, 13(2), 103-128. [In Persian]
28. Paseban, F. (1385/2006). The socio-economic factors affecting rural women employment in Iran (1968-2004), *Journal of Agricultural Economics and Developments*, 14(53), 153-176. [In Persian]
29. Rahman, S. (2000). Women's employment in Bangladesh agriculture: composition, determinants and scope. *Journal of Rural Studies*, 16(1), 497-507.
30. Roomi, M. A., & Parrott, G. (2008). Barriers to development and progression of women entrepreneurs in Pakistan. *The Journal of Entrepreneurship*, 17(1), 59-72.
31. Safari Shali, R. (1387/2008). A study on social and cultural factors related to the participation level of rural women. *Women in Development and Politics*, 6(1), 137-159. [In Persian]
32. Sharbatian, M. H. (1387/2009). Social aspects and barriers of women's employment. *Peyke Noor Journal*, 7(3), 85-95. [In Persian]
33. Shaverdi, T., & Chitsaz, M. J. (1389/2010). Study on the economic, social and legal problems of female farmers from the viewpoint of rural improvement officials of agricultural Jihad organization. *The Journal of Womens' Studies (Journal of Scientific and Research on Women's Studies)*, 4(1), 119-149. [In Persian]
34. Smit, A. B. (2004). Changing external conditions require high levels of entrepreneurship in agriculture. In *XV International Symposium on Horticultural Economics and Management 655* (Pp. 167-173), Berlin, Germany.
35. Tinker, I. (1990). *Persistent Inequalities; Women and World Development*. New York: Oxford University Press.
36. Xavier, S. R., Ahmad, S. Z., Nor, L. M., & Yusof, M. (2012). Women entrepreneurs: Making a change from employment to small and medium business ownership. *Procedia Economics and Finance*, 4, 321-334.
37. Yang, D.T. & An, M.Y. (2002). Human capital, entrepreneurship, and farm household earnings. *Journal of Development Economics*, 68 (2), 65-88.
38. Ziegler, J. M. (1980). Barriers to full employment of rural youth. *Children and Youth Services Review*, 2 (1-2), 63-80.

Analyzing the Barriers and Limitations of Rural Women Employment (Case Study: Tuyserkan County)

Heshmatollah Sa'adi*¹ – Ahmad Yaghoubi Farani²- Leila Zoleikhaei Sayyar³- Fatemeh Ghahremani ⁴

1- Associate Prof. in Agricultural Extension and Education, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

2- Assistant Prof. in Agricultural Extension and Education, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

3- Ph.D. Candidate in Rural Development, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

3- MSc. Student in Agricultural Extension and Education, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

Received: 17 June 2015

Accepted: 5 December 2016

Extended abstract

1. INTRODUCTION

Employment is critical for poverty reduction and for enhancing women's status, especially in rural community. The notion of work and self-employment for women is complex and different factors affect women employment. Based on research results and experiences in developing countries, in rural areas, women as a significant part of the population, face some social, cultural, economic and institutional limitation for starting or promoting a business. In this research, through a survey in a rural society, most of the barriers and limitations of rural women employment were distinguished and analyzed.

2. THEORETICAL FRAMEWORK

Rural employment is a key to economic and social development in many countries like Iran. That's why many researchers tried to find solutions and strategies for progression of rural employment especially for women, and also the barriers and obstacles of rural women self-employment. Based on researches, many different barriers can prevent the process of starting and developing a business. Some studies showed that socio-economic barrier like family opposition or lack of family supports, lack of women self-confidence and some cultural values and belief against women self-employment prevent the progression of women business in rural areas. Also, generally rural women have less access to fund and credit and this factor can limit the rate of self-employment and entrepreneurship by rural women. Lack of empowerment and skill is another issue that decreases the level of business starting by rural women. Personal characteristic and competence is also needed for starting a new business. Some researchers showed that lack of some competencies like self-confidence, ambiguity tolerance, risk taking and spirit of independence

can prevent the level of self-employment intention. Based on researches, different barriers could have different influences on different societies and that's why, for drawing a conceptual map for barriers of women employment and entrepreneurship, quantitative survey is needed. In this survey research, the role of different cultural, social, personal and institutional barriers and limitations of rural women employment were assessed through a factor analysis.

3. METHODOLOGY

The current applied research is a quantitative and non-experimental study in terms of variables controlling. The main purpose of the study was to distinguish and analyze the most important barriers and limitations of rural women's employment. To do that, 150 rural women in Tuyserkan, Hamedan province, were selected randomly as research sample. Based on review of theoretical literature, a structured questionnaire was made and used as a main tool to collect data. The validity of the questionnaire was assessed by panel of experts and the Reliability was measured by "Cronbach α " test ($\alpha=0.81$). In order to analyze data, both SPSS18 and LISREL8.8 software were used. The SPSS was used for describing data and factor analysis and the LISREL was used in order to modelling structural equations. The results of structural equations showed good fitness of the model used for analyzing barriers of rural women employment. (RMSEA=0.063, AGFI=0.8, GFI=0.93).

4. DISCUSSION

Findings showed that rural women in this research face a group of limitations and barriers in starting and managing their business. Using exploratory factor analysis revealed that four main obstacles are very important in the process of starting and promoting business by rural women in their point of view. The most important factors were socio-

cultural barriers like family opposition, lack of women self-confidence and some cultural values and belief against women self-employment (with 22.03% of barriers' variances). This factor with some other barriers such as economic-environmental, personality and training-supporting barriers explained 62.30% of the variances of employment barriers.

5. CONCLUSION:

According to the research results, it was found that rural women in this survey face different limitation and barriers in the process of self-employment which can influence on this process differently. Based on the research, it is recommended to pay

attention to some cultural programs through media or social activities in order to reform some social and cultural barriers such as traditional mindset towards women's empowerment and their participation. It is also essential to provide learning opportunities for both men and women in rural areas in order to believe women and daughter abilities and empowerments in economic and social activities. The research results can help policymakers and managers to develop suitable supportive plans in different stages of starting and managing rural business by women.

Key words: Rural women, employment, employment barriers, Tuyserkan County.

How to cite this article:

Sa'adi, H., Yaghoubi Farani, A., Zoleikhaei Sayyar, L. & Ghahremani, F. (2017). analyzing the barriers and limitations of rural women employment (Case study: Tuyserkan County). *Journal of Research & Rural Planning*, 6(1), 35-48.

<http://dx.doi.org/10.22067/jrrp.v5i4.47639>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495